

نقش بازدارندگی باور دینی در گرایش دختران

دانش آموز به فرار از منزل

The Study of Deterrent Effect of Religious Belief on Tendency to Running away from Home

Akbar Aliverdinia¹, Fateme Isapoor²

اکبر علیوردی‌نیا،* فاطمه عیسی‌پور**

Introduction: Juvenile offence has been a national persistent social problem. Current strategies in prevention and decrease delinquent behaviors are still distant from a comprehensive and holistic resolutions. One critical limitation in the existing strategies for decreasing juvenile delinquency is the deterrent role of religious factors. Most of the sociological surveys in this field are about family's problems and the effect of religious belief. This surveys show a tremendous impact of religion on children's ethical growth, but unfortunately this factor hasn't been concerned. This carelessness in religious concepts and lack of information about this reality that religious belief can decrease harmful upshots has led to increase the amount of aberrant behavior statistically.

Hirschi is correct to assume "the existence of a common value system within the society or group whose norms are violated." Religious belief is theorized to be an element of social control that can constrain the natural tendency toward delinquent behavior in addition to other domains of social control such as family, school, and neighborhood.

مقدمه: بزهکاری جوانان و نوجوانان یک مسأله اجتماعی جدی است، نوجوانان و بزهکاران در دو صورت به عمل بزهکارانه دست می‌زنند، یا اینکه در فشار قرار می‌گیرند و یا اینکه ارزشها و اعتقاداتی دارند که رفتار بزهکارانه آنها را تأیید می‌کند، وفاداری فرد به ارزشها و اصول اخلاقی جامعه باعث دور شدن از مشارکت در امور انحرافی می‌شود و نوجوانانی که به‌طور جدی به اصول اخلاقی شرکت در هنجارها و ارزشهای اجتماعی معتقدند، احتمال کمتری وجود دارد که از آنها منحرف شوند. در نهایت اینکه اگر فرد معتقد باشد نقض اصول رسمی (قوانین) و غیررسمی (هنجارهای اجتماعی) کاری نادرست است، دیگر درگیر فعالیتهای بزهکارانه نخواهد شد، از آنجائیکه به نظر می‌رسد دین تأثیر بسیار قابل توجهی در بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد دارد، باید توجه کافی به عوامل مذهبی داشته باشیم. در این مقاله با استفاده از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و با تأکید بر عنصر باور دینی، به تبیین جامعه‌شناختی تأثیر باور دینی بر گرایش به فرار از منزل به‌عنوان یک رفتار انحرافی در میان دختران دانش‌آموز پرداخته می‌شود.

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه مازندران، (نویسنده

مسئول)، <aliverdinia@umz.ac.ir>

** کارشناس ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه مازندران

1. Professor of Sociology,

<aliverdinia@umz.ac.ir>

2. M.A in Youth Studies

Hirschi argues that those who have a belief in the legitimacy of the hegemonic system of values in a culture are most likely to follow it. If adolescents can share a moral doctrine and social rules, they are more likely to share in pro-social behavior. Persons who strongly belief in the moral validity of shared social values and norms are less likely to deviate from them. Those whose acceptance is weak have a greater propensity to behave in a deviant manner. Also, he proposes that variations exist in the extent to which people believe social rules should be obeyed because some believe in conventional values more strongly than others. This study tests the central hypotheses concerning the belief element of social control Theory. In social control theory religious belief and allegiance to the society values and moralities is a deterrent factor in the participation in deviant activities such as running away from home. To sum up, maladjustment in teenagers or children behavior, namely running away from home can be mentioned as a characteristic phenomenon at first sight, though due to its directly wrecked effect on society it should be considered as a harmful upshot to the public. Also, most of researches have been limited to number of the girls running away and the matter of girls' tendencies has been left inattentively.

In this paper, sociological clarification about Religious belief impact on attitude to run away from home in school girl has been discussed.

روش: پژوهش حاضر به صورت طرح تحقیق توصیفی رابطه‌ای است که داده‌ها در بین ۳۷۰ نفر از دختران دبیرستانی شهر بابلسر که با روشهای تلفیقی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبقه‌بندی متناسب انتخاب شدند، با استفاده از پرسشنامه خود اجرا گردآوری شده است و یافته‌ها با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: بنابر نتایج مدل معادلات ساختاری، این فرضیه تحقیق که باور دینی اثری بازدارنده بر گرایش به فرار از منزل در میان دختران دانش آموز دبیرستانی دارد، مورد تأیید قرار گرفت و تأثیر باور دینی بر گرایش به فرار از منزل (۰/۳۱-) می‌باشد.

بحث: اگر باورهای دینی به نحو احسن در افراد نهادینه شده باشد، تحمل سختیها و مشکلات را برای فرد نوجوان آسان کرده و موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی در افراد و درک و ضرورت رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی می‌شود که می‌تواند انگیزه انجام کارهای انحرافی را در افراد کاهش دهد. "باور" نگرشهای نوجوان از قوانین اجتماعی را نشان داده و هنگامی که ضعیف می‌شود، ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را ممکن می‌سازد، زیرا فرد دارای هیچ نگرشی نمی‌باشد که آنرا منع سازد. به طور کلی اعتقادات مذهبی متداول، نوجوانان را به پذیرش اصول دینی یا ممانعت در مقابل رفتار بزهکاری تشویق می‌کنند.

واژگان کلیدی: باور دینی، فرار از منزل،

کنترل اجتماعی، گرایش ایرانی

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۶

مقدمه:

دین در فراگرد رشد انسان بسیار اهمیت دارد. زیرا به افراد در بحرانهای زندگی و مقاطع گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر کمک می‌کند و در نتیجه بخشی از فراگرد اجتماعی شدن به شمار می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۷). از آنجائیکه دین تأثیر بسیار قابل توجهی در بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد دارد، محققان اجتماعی باید توجه کافی به عوامل مذهبی داشته باشند. یکی از محدودیتهای مهم استراتژیهای مداخله‌ای برای کاهش بزهکاری نوجوانان، غفلت از عوامل مذهبی است. تقریباً چند دهه پیش، ویلسون^۱ و هرنستاین^۲ اشاره کردند که عدم آگاهی ما از عوامل جرم، بدلیل کمبود مطالعات نظام‌دار در ارتباط بین مذهبی بودن و جرم است. وولفمن^۳ اذعان کرده است که تحقیقات زیادی در این زمینه وجود ندارد.

دونلسون^۴ (۱۹۹۹) بیان کرده است که یک محدودیت مهم استراتژیهای مداخله‌ای حاضر برای کاهش اینگونه رفتارهای انحرافی،

Method: Data has been collected by descriptive research design and via self-administered questionnaire, and subjects of the study method. Using a sample of 370 high school girl students from urban areas of Babolsar city. Accordingly, information has been collected at the base of questionnaire, 1597 individuals were investigated that all were high school students educating in Babolsar high school in 91-92 educational year. Data were analyzed by using the Lisrel software have been selected by means of a two-stage cluster sampling method and stratified proportional.

Findings: In general, structural equations Lisrel has shown that the research hypothesis was confirmed, and religious belief have (-0.31) deterrent effect on tendency to run away from home. Belief variables are strongly related to deviant behavior.

Those who do not hold strong beliefs in conventional values free from the bond and therefore are more likely to commit deviant acts.

Discussion: The result of research indicates that most conventional religious belief encourage adolescents to embrace the tenets of the religion which proscribe delinquent behavior. An adolescents' religious belief is a highly important factor in their lives. Hirschi suggests that it is not that people need to rationalize their wrong actions, but some people feel less obliged to comply with the moral code than others. In other words, people vary in the amount they feel they need to act morally.

1. Wilson
2. Herrnstein
3. Gretchen Wolfman
4. Donelson

The argument is that religious youths feel obliged to act morally and therefore will refrain from delinquent activities. Finally, if a youth believes it is wrong to violate the formal (laws) and informal (social norms) rules, the youth will not engage in delinquent. The study provides empirical support of claim that adolescent belief may deter serious delinquent behaviors directly and independently. To sum up, the present study finds that adolescent religious belief is directly related to serious offenses. There is an inverse relationship between religious beliefs and commission of serious offenses.

Keywords: Attitude, Religious Belief, Running away from Home, Social control

غفلت از عوامل مذهبی است و اگرچه نگرانیهای مشروع و خطرات بالقوه‌ای درباره گنجایش عوامل مذهبی در کار اجتماعی وجود دارد، ولی مطالعه رابطه بین مذهب و رفتارهای انحرافی از جهات مختلف مهم و قابل توجه بوده و در علوم اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. باید به‌خاطر داشته باشیم که مطالعه باورهای دینی در علوم اجتماعی شاید بیشتر از الهیات ضروریست.

اگر محققان اجتماعی، اهمیت مذهب را برای مطالعه رفتار نوجوانان کاهش دهند، مانع دست یافتن به بررسیهای محیطی نوجوانان، که شامل جنبه‌های مذهبی زندگیشان هست، می‌شوند؛ به‌عبارت دیگر، به‌منظور این کار، محققان اجتماعی باید از درکی که آزمودنیها یا پاسخگویان نسبت به محیط خود دارند، آگاه باشند. پایبندی به مذهب، به‌عنوان یک اصل اجتماعی عمده در سراسر جهان، دارای ارزش، عاملی حمایت‌کننده و دارای ارتباطی مهم با زندگی مردم است. برای مثال حدود ۴۰ درصد از آمریکاییها در اماکن و مراسم مذهبی، هفتگی حضور پیدا می‌کنند و حدود حداقل ۶۰ درصد به‌صورت ماهانه در این اماکن حضور دارند. ارزشها و باورهای مذهبی هر دو، تأثیر ماندگار و مستقیمی بر رفتار مردم می‌گذارد. از آنجائیکه به‌نظر می‌رسد دین تأثیر بسیار قابل توجهی در بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد دارد، محققان اجتماعی باید توجه کافی به عوامل مذهبی داشته باشند. همانند سایر مطالعات اجتماعی، مطالعه نقش مذهب، به‌عنوان یک عامل بازدارنده جرم و به‌عنوان

یک آزمون مهم در هر فرضیه متضمن این اصل، که رفتار انسان تابع جنبه‌هایی از هویت شخصی و محیط اجتماعی است، مطرح است. غفلت از عوامل مذهبی در پژوهش و کار اجتماعی، عمق مطالعه رفتار انسان را سست می‌کند؛ در مقابل، وارد کردن جنبه‌های مذهبی در مطالعه حاضر، می‌تواند در بسط و گسترش و غنی‌سازی روش کار اجتماعی در توسعه دانش درباره رفتارهای انحرافی نوجوانان کمک کند (کیم، ۲۰۰۳).

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دین بی‌ارتباط با بزهکاری نیست. هیرشی و استارک به‌طور خاص، در فرضیه‌های آتش دوزخ و بزهکاری^۱، که اظهار می‌کرد مذهب اثر چندانی بر بزهکاری ندارد، دریافتند که اثر مذهب به‌عنوان یک امر مسلم برای یک مدت طولانی قابل توجه است؛ تعدادی از محققان، همچنان بر اثرات مفید بالقوه دین بر کاهش انواع گوناگون رفتارهای بزهکارانه باقی مانده‌اند و توافق در مورد اینکه مذهب به‌عنوان یک عامل بازدارنده بزهکاری تلقی می‌شود، در حال افزایش است.

قدرت تأثیرگذاری یک عامل مذهبی نامشخص است و بسته به انواع مختلف جرم، زمینه‌های مذهبی و زمینه‌های اجتماعی متفاوت می‌باشد. گسترش دانش در مورد ارتباط بین مذهب و بزهکاری باید به مددکاران اجتماعی کمک کند تا یک درک عمیق‌تری از رفتارهای بزهکارانه ارائه دهند و به نگرشهای عمیق‌تری بپردازند. در واقع فقدان توافق در مطالعه اثر مذهب بر بزهکاری، در روشن شدن ارتباط واقعی بین مذهب و بزهکاری به‌منظور توضیح، پیش‌بینی و کنترل رفتارهای بزهکارانه اهمیت دارد (کیم، ۲۰۰۳).

گمان می‌رود که در ایران محیط اجتماعی فرهنگی به‌گونه‌ای است که کنترل اجتماعی نسبتاً مناسبی توسط دین بر نوجوانان اعمال می‌شود. سنتهای تأییدکننده و نسبتاً عظیم مذهبی، عواملی هستند که جهت جلوگیری از رفتارهای بزهکارانه جوانان بکار می‌روند و

1. Hellfire and delinquency

در مکانهایی که عوامل مذکور نفوذ خود را بر افراد از دست می‌دهند، کنترل اجتماعی ضعیف می‌شود و این ممکن است منجر به رفتارهای انحرافی شود. باورهای مذهبی و به‌عبارتی وفاداری فرد به ارزشها و اصول اخلاقی جامعه باعث دور شدن از مشارکت در امور انحرافی می‌شود. در این حالت اعتقادات افراد مانع از انجام دادن برخی از اعمال منحرفانه و عاملی برای پیروی و احترام به قوانین و هنجارهاست. فروپاشی باورها نخستین مرحله وقوع جرایم و جنایتهاست. زیرا باورها به مثابه نیرو و اهرم کنترل‌کننده درونی افراد هستند، که بازتاب اجتماعی هم دارد. وقتی این باورها توان و مؤثر بودن خود را از دست دهد، در آن هنگام افراد بی‌باور و فاقد هویت، هرگونه عملی را برای خود مجاز می‌دانند. اگر جوانان قویاً باور داشته باشند که برخی اعمال، انحرافی و غلط است، مشارکت جستن در آنها دور از تصور است؛ اما جوانانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات و ارزشهای اجتماعی دارند، ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزشهای آن را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند. در مجموع می‌توان گفت اعتقادات دینی، در جوامعی که دین یکی از مهم‌ترین منابع نظام قانونی و عرفی است، تأثیر به‌سزایی در رعایت اصول و هنجارهای اجتماعی دارد. تحقیق پیشرو در پی آنست که چگونه می‌توان گرایش به فرار از منزل در میان دختران را براساس نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و اثر بازدارندگی باور دینی تبیین کرد؟

سوابق پیشین

در اینجا به مطالعاتی اشاره می‌شود که بیشتر بر رابطه بین مذهب و بزهکاری تأکید کرده‌اند، به‌طور خلاصه گراسمیک^۱ و همکاران (۱۹۹۲) اظهار کردند که برخی از جنبه‌های مذهب، مانع ارتکاب برخی از انواع رفتارهای غیرقانونی در شرایطی خاص می‌شود.

1. Grasmick

الیفسون^۱ و همکاران (۱۹۸۳) دریافتند که اثر مستقل مذهب از نظر آماری معنی‌دار نیست و بورکت^۲ و وارن^۳ (۱۹۸۷) نیز گزارش دادند که رابطه دینداری و بزهکاری پس از کنترل متغیرهایی چون خانواده و همسالان از نظر آماری نامعلوم است، به‌طوری‌که اثر مذهب بر استفاده از مواد توسط نوجوانان مستقیم نبوده و از طریق معاشرت با همسالان، غیرمستقیم بوده است.

بهر^۴ و ماقان^۵ (۱۹۹۳)، نشان دادند که پس از کنترل عوامل خانوادگی، دین در ارتکاب رفتارهای انحرافی تأثیری نداشته است؛ در مقابل کوچران^۶ و همکاران (۱۹۹۴) نشان دادند که اگرچه اثر مذهب در مواردی چون تجاوز، سرقت، خرابکاری، فرار و استفاده از مواد، پس از کنترل عوامل مرتبط با نظریه‌های کنترل اجتماعی و برانگیختگی چندان معنی‌دار نبوده است، اما اثر بازدارندگی دین در بزهکاری برای استفاده از الکل، توتون و تنباکو معنی‌دار باقی مانده است. در زمینه تأثیر مذهب، جانسون^۷ و موریس^۸ (۲۰۰۸)، بیان کرده‌اند که دینداری اثر استرس‌زای مسائل مدرسه بر بزهکاریهای دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. ویلیز^۹ و همکاران (۲۰۰۳)، دریافتند که اثر استرس بر مصرف مواد در میان نوجوانان با بالا رفتن سطح دینداریشان کاهش پیدا می‌کند. پیرس^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۳)، دریافتند که انجام تکالیف دینی و قبول خود به‌عنوان دیندار، اثرات در معرض خشونت بودن و قربانی کردن بزهکار را کاهش می‌دهد. جانگ^{۱۱} و جانسون (۲۰۰۱)، مفروض داشتند که مذهب می‌تواند اثر محلات ناامن را در سوءمصرف مواد در میان نوجوانان کاهش دهد. تحقیق آنها نشان داد که دینداری به‌عنوان یک عامل حمایتی برای نوجوانانی است که در محلات ناامن زندگی می‌کنند. همچنین افرادی چون هیتون (۱۹۸۶) و تورتن و کامبورن (۱۹۸۹) تأکید

1. Elifson
4. Bahr
7. Jahnsen
10. Pearce

2. Burkett
5. Maughan
8. Morris
11. Jang

3. Warren
6. Cochran
9. Wills

کرده‌اند که مذهب برای بسیاری از افراد به‌عنوان منبع ممنوعیت‌های اخلاقی محسوب می‌شود و همچنین کسانی چون کوچران و همکاران (۱۹۹۴)، به اثر مذهب در مواردی چون تجاوز، استفاده از مواد و فرار از منزل اشاره کرده‌اند.

جی یر^۱ و بامیستر^۲ معتقدند (۲۰۰۵) مذهب می‌تواند خودکنترلی را با تشویق به استفاده مکرر آن در زندگی روزانه تقویت کند. از نظر کایوتز^۳ و یوهانگ^۴ (۲۰۰۶) باورهای مذهبی با ایجاد احساس گناه باعث می‌شوند افراد، لذت‌طلبی را به تعویق بیندازند، تکانه‌ها را بازداری کنند و میزان بالایی از خودکنترلی را بروز دهند. بورکت و وایت^۵ (۱۹۷۴) توصیف تازه‌ای از مطالعه هیرشی و استارک ارائه دادند. به نظر آنها تأثیر مذهب بر جرم به نوع جرم بستگی دارد. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سطوح بالاتر مذهبی بودن منجر به کاهش میزان مصرف الکل و ماری جوانا در میان دانش‌آموزان شده‌است، اما این مسأله تأثیری بر جرائم خشن یا جرائم مالی نداشته‌ست. کوچران و ایکرز (۱۹۸۹) نیز با استفاده از اطلاعات مربوط به دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستانی در ۳ استان، به نتایج مشابه بورکت و وایت دست یافتند.

شکاف موجود در بدنه دانش‌های مربوط به مذهب و بزهکاری تا حدودی برجسته بوده است و تلاش‌های پی در پی برای غلبه بر محدودیت‌های مطالعات پیشین انجام گرفته‌است. تحقیقات قبلی جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان داده‌اند، که نوجوانان مذهبی در الگوهای رفتاری خود، نسبت به نوجوانان غیرمذهبی، تمایل کمتری به انحراف دارند؛ با این حال در بین این مطالعات هنوز هم چندین نقطه مهم جنجالی وجود دارد و مطالعاتی که بر قطعیت بیشتری دلالت دارند، باقی می‌مانند. محققان هنوز در مورد اثر مستقل مذهب بر بزهکاری به توافق نرسیده‌اند؛ برخی از محققان دریافته‌اند که حتی زمانی که نفوذ متغیرهای زمینه‌ای

1. Geyer
4. Yuhuang

2. Baumeister
5. White

3. Kivetz

و اجتماعی را کنترل می‌کردند، دینداری اثرات زیادی بر رفتارهای انحرافی داشته‌است، در حالی که دیگران به این نتیجه رسیدند که اثرات مذهب تا حدودی به‌وسیله متغیرهای زمینه‌ای، غیرمستقیم بوده است. ارائه راه‌حلهایی که منجر به کاهش مداوم و قابل توجه انحراف نوجوانان شود، به چگونگی آگاهی در مورد عوامل بستگی دارد که از چنین رفتارهایی جلوگیری می‌کنند. در طول سه دهه اخیر عوامل گوناگونی بیان شده‌اند که اهمیت بسیاری در شروع، شکل دادن و کمک به رفتارهای بزهکارانه دارند، عواملی مثل روابط والدین و فرزندان، روابط همسالان، مدرسه، محله و غیره. آگاهی در مورد بزهکاری نوجوانان در ایجاد استراتژیهای مداخله‌ای مثل مشاوره رفتاری خانواده، آموزش مهارت‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی در مدرسه و تغییر جامعه برای جلوگیری و کاهش رفتارهای بزهکارانه لازم و ضروری است. یکی از محدودیت‌های مهم استراتژیهای مداخله‌ای برای کاهش بزهکاری نوجوانان، غفلت از عوامل مذهبی است. تقریباً چند دهه پیش، ویلسون^۱ و هرنستاین^۲ اشاره کردند که عدم آگاهی ما از عوامل جرم، به‌دلیل کمبود مطالعات نظام‌دار در ارتباط بین مذهبی بودن و جرم است. وولفمن اذعان کرده است که تحقیقات زیادی در این زمینه وجود ندارد. این غفلت و بی‌توجهی حتی به زمینه تحقیقات اجتماعی نیز گسترش یافته است و هنوز تا حد زیادی در تحقیقات اجتماعی اهمیت نقش باورهای مذهبی در ارتکاب رفتارهای بزهکارانه نادیده گرفته شده‌اند (کیم، ۲۰۰۳). در اکثر مطالعات انجام شده، توجه بسیاری به عوامل مربوط به والدین و به‌طور کلی عوامل خانوادگی شده است. درحوزه نقش باور دینی بر گرایش دختران به فرار از منزل به‌نظر می‌رسد در داخل کشور، پژوهشی انجام نشده یا اگر انجام شده باشد، هنوز به چاپ نرسیده است و پژوهش‌های انجام شده نوعاً به نقش دینداری بر روی بزهکاری پرداخته‌اند.

-
1. Wilson
 2. Herrnstein

در این تحقیق به نقش بازدارندگی باور دینی بر روی گرایش به فرار از دختران پرداخته می‌شود و کسانی که هنوز فرار نکرده‌اند، اما ممکن است مستعد فرار از خانه باشند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری نظریه پیوند اجتماعی

نظریه، زمینه و بستری فراهم می‌کند که مشاهدات خاص در آن قرار می‌گیرند. نظریه، هدایت‌گر تحلیل است. قضایایی از نظریه بر می‌خیزد که محور اصلی تحلیل داده‌ها را تشکیل می‌دهند (دواس، ۱۳۸۳). تئوری کنترل اجتماعی هیرشی، در حال حاضر به یکی از محدود نظریه‌های اساسی کنترل، به‌ویژه در زمینه بزهکاری (به‌طور کلی) تبدیل شده است. مطالعات بسیاری تئوری کنترل اجتماعی هیرشی را مورد آزمون قرار داده‌اند که می‌توان گفت در مجموع، آزمون تئوری کنترل اجتماعی (حتی بدون در نظر گرفتن طرح تحقیق مقطعی یا طولی و یا سطح اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی جوامع مانند توسعه یافته در برابر عقب مانده یا در حال توسعه و سنتی در برابر مدرن)، نشان می‌دهد که این تئوری نقش مهمی در تبیین رفتار بزهکارانه دارد (اوزبای^۱، ۲۰۰۶) و در این تحقیق به‌عنوان چارچوب نظری برای تبیین نقش بازدارندگی باور دینی در گرایش دختران دانش‌آموز به فرار از منزل در نظر گرفته شده است.

دیدگاه‌های متفاوتی از دینداری توسط محققان ارائه شده است؛ برخی از محققان مانند هیوم، فروید و مارکس مذهب را به‌عنوان یک فرایند ناآگاهانه، غیرعقلانی و واهی تعریف کرده‌اند و معتقدند انسانها در مذهب درگیر شده‌اند، چون مذهب سطح معینی از آرامش و راحتی برایشان فراهم می‌کند (گاتری^۲، ۱۹۹۶). در مقابل این رویکرد، بسیاری از محققان بر جنبه‌های عقلانی و ادراکی (شناختی) مذهب تأکید دارند. به‌طور خاص رویکرد انتخاب

1. Ozbay
2. Guthrie

عقلانی، دین را به‌عنوان یک برآورد هزینه- فایده تعریف می‌کند: «افراد به‌طور یکسان هزینه و فایده‌های هر کاری را ارزیابی می‌کنند و طوری عمل می‌کنند که بیشترین فایده را برایشان داشته باشد» (مونتگومری^۱، ۱۹۹۶).

در نهایت، دیدگاه غالب، که بر جنبه‌های حمایتی و اجتماعی دین تأکید دارد؛ دورکیم یکی از حامیان اصلی این دیدگاه می‌باشد. او دین را به‌عنوان یک سیستم یکپارچه از باورها و آداب و رسوم منسوب به چیزهای مقدس تعریف می‌کند که همه چیز را از هم جدا و ممنوع می‌کند (مجموع چیزهای مجزا و ممنوع). باورها و شیوه‌ها بهم پیوسته را در یک نمونه اجتماعی مرسوم به نام کلیسا متحد می‌کند، که همه افراد در آن بهم می‌پیوندند.

بنا به نظر هیتون^۲ (۱۹۸۶)، مذهب فقط برای تلفیق فکری الهیات خاص نیست، بلکه برای اجتماعی کردن و رعایت انتظارات هنجاری نیز می‌باشد. تورتن^۳ و کامبورن^۴ (۱۹۸۹)، تأکید کردند که مذهب برای بسیاری از افراد، به‌عنوان یک منبع ممنوعیت‌های اخلاقی، محسوب می‌شود و آموزه‌های کلیساها یک نقش بحرانی در شکل‌گیری نگرشها و ارزشها و تصمیمات افراد بازی می‌کند. به‌طور کلی براساس این دیدگاه سوم، دین به‌عنوان یک منبع مهم برای تقویت و حفظ رسومات جامعه است.

جانسون و همکاران (۲۰۰۱) دینداری نوجوانان را به‌عنوان حدی که یک نوجوان به دین و تعالیم آن متعهد باشد، تعریف کرده‌اند. به‌طور کلی مذهب را می‌توان به‌عنوان یک وابستگی و دلبستگی به نهادهای مذهبی متداول تعریف کرد. همانطور که دورکیم (۱۹۷۳) نوشته، حتی وقتی به‌نظر می‌رسد که دینداری کاملاً درونی و فردی باشد، همچنان باید آن را در جامعه‌ای که فرد در آن زندگی و تغذیه می‌کند، یافت. گرچه برخی از افراد دین را معادل با ایمان و اخلاق می‌دانند و دین سنتی و ساختارمند شده شامل ایمان و یک سیستم

1. Montgomery
3. Torton

2. Heaton
4. Camburn

اخلاقی است، ولی دین چیزی بیش از اخلاقیات و ایمان است و دین به‌طور توافقی و مداوم در اتصال و همپوشانی این اقلام، تنزل پیدا کرده است. می‌توان دین را متشکل از ۴ جنبه دانست:

- ۱) باور به یک مافوق یا موجود برتر، که یک اصول و قاعده کلی از رفتار، اهداف هستی و معنای مرگ را فراهم می‌آورد.
- ۲) فراهم‌کننده یک سیستم اخلاقی، اصول اخلاقی و رفتار آرمانی و ایده‌آل.
- ۳) اعمال مذهبی بر پایه باورها
- ۴) مشغولیت و پیوستگی به نهادهای مذهبی مرسوم.

تئوری کنترل اجتماعی هیرشی بر تبیین جامعه‌شناختی علل رفتار بزهکاری تسلط دارد. حمایت و توجه پژوهشی بسیاری دریافت کرده و به‌عنوان یک راهنمای مطالعه رفتارهای انحرافی شناخته شده است. این تئوری فرایند اجتماعی شدن^۱ را، به‌عنوان کلیدی برای توضیح رفتار بزهکاری می‌بیند و آن را برجسته می‌کند. به‌عبارت دیگر باورها، ارزشها و رفتارهای نوجوانان از طریق تعامل بین نوجوانان و سازمانها و افراد عمده‌ای چون خانواده، همسالان، مدارس و هم محله‌ایها شکل می‌گیرد. این تئوری بر این فرض استوار است که یک نظم اخلاقی رسمی و یک وفاق عمده پیرامون مجموعه‌ای از ارزشهای اجتماعی جامعه وجود دارد. هیرشی بیان می‌کند که نقش کنترل اجتماعی، کمک به درونی کردن هنجارها برای رفتارهای متعارف است و فقدان کنترل اجتماعی در فرآیند اجتماعی شدن، نوجوانانی را به‌وجود می‌آورد که از هنجارهای اجتماعی متعارف و تا حدودی زندگی اجتماعی منحرف می‌شوند و این نظریه فقدان کنترل اجتماعی مناسب را به‌عنوان

۱. فرایندی که به‌وسیله آن نوجوانان روشها و شیوه‌هایی را از یک جامعه یا گروه‌های اجتماعی یاد می‌گیرند به‌طوریکه می‌توانند در درون آن عمل کنند.

شرط لازم و کافی برای رفتارهای انحرافی می‌بیند. پرسش اصلی تئوری کنترل اجتماعی این است که چرا بعضی از افراد درگیر رفتار انحرافی نمی‌شوند؟ پاسخ، شدت پیوند اجتماعی به هنجارهای اجتماعی رسمی است، یک مکانیزم کنترل که مانع تمایلات طبیعی افراد نسبت به رفتار انحرافی می‌شود (کیم، ۲۰۰۳). هیرشی انطباق و هم‌نوایی را بر پایه پیوندهایی می‌داند که میان افراد و جامعه گسترش یافته و آنها را از نقض قوانین باز می‌دارد. پیوندهای اجتماعی شامل ۴ عنصر پیوستگی^۱، التزام^۲، مشغولیت^۳ و باور^۴ می‌باشد (میشل، ۲۰۰۳) که در این پژوهش تأکید بر روی عنصر باور می‌باشد.

باور در نظریه هیرشی اشاره دارد به درجه اعتباری که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است، در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، ولی به آنها پایبند باقی می‌ماند. (هیرشی، ۱۹۶۹). باور در واقع نوعی قدردانی از قواعد جامعه به دلیل عادلانه بودن آنهاست. یعنی، فرد به آن قواعد و هنجارها احترام می‌گذارد و نوعی تعهد اخلاقی نسبت به پیروی از آنها را احساس می‌کند. در اینجا عنصر اساسی، احترامی است که برای نظام ارزشی مشترک وجود دارد. در یک معنا هرچه میزان اعتقاد به رفتار درست بیشتر باشد، احتمال اینکه فرد تطابق داشته باشد، بیشتر است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۸). هیرشی معتقد است که درجه اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین، متفاوت است. هر چه اعتقادات افراد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کنند. بنابراین انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. باور مذهبی دلالت بر بعد ارزیابی دینداری دارد. باور، نگرش نوجوان به قوانین اجتماعی را نشان داده و هنگامی که ضعیف می‌شود ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را ممکن می‌کند، زیرا فرد دارای هیچ نگرشی نیست که او را منع کند (میشل، ۲۰۰۳). می‌توان گفت نوجوانان و بزهکاران

1. attachment
3. involvement

2. commitment
4. belief

در دو صورت به عمل بزهکارانه دست می‌زنند، یا اینکه تحت فشار قرار گیرند یا ارزشها و اعتقاداتی داشته باشند که رفتار بزهکارانه را تأیید کند (هیرشی، ۱۹۶۹).

استدلال این است که جوانان دیندار احساس می‌کنند از نظر اخلاقی باید دست به اعمال خاص بزنند و از فعالیتهای متخلفانه خودداری کنند. برای چارچوب نظری مطالعه حاضر و ارائه یک توضیح دقیق‌تر از رابطه بین باور دینی و گرایش به فرار در میان دختران، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه پیوند اجتماعی، نظریه عمده‌ای برای مطالعه اعتقادات و باورهای دینی و رفتارهای انحرافی است. در این پژوهش فرض بر این است که جوانان و نوجوانانی که باورهای دینی قوی‌تری دارند، کمتر احتمال دارد که مرتکب رفتارهای خلاف‌کارانه شوند و گرایش به فرار در میان دختران می‌تواند تابعی منفی از باور دینی باشد. این فرضیه اساسی است که در این آزمون تجربی خواهد شد.

روش

۱) نوع پژوهش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی رابطه‌ای است که به منظور بررسی نقش باور دینی در گرایش به فرار از منزل بین دختران طراحی شده است.

۲) جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جمعیت تحقیق این پژوهش، کلیه دختران دبیرستانی مشغول به تحصیل شهر بابلسر در سال ۹۲-۱۳۹۱ بوده‌اند که تعداد آنها ۱۵۹۷ نفر است و ۳۷۰ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در مطالعه حاضر، نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی متناسب بود. در ابتدا مدارس براساس نوع مدرسه به دو گروه دولتی و غیرانتفاعی تقسیم شدند، سپس هرکدام از این

گروهها به سه زیر گروه اول، دوم و سوم دبیرستان تقسیم شد، که به هریک از این گروهها و زیر گروهها به نسبت تعداد دانش آموزان پرسشنامه تخصیص یافت و به صورت تصادفی در مدارس مربوط توزیع و تکمیل گردید.

۳) ابزار پژوهش

داده‌های تحقیق با ابزار پرسشنامه و به شیوه جمع اجرا گردآوری شده است. برای حصول اطمینان از روایی ابزار مورد استفاده (پرسشنامه)، از روایی محتوایی^۱ و روایی سازه^۲ استفاده شده است. برای سنجش روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده که مورد تحلیل قرار گرفته است و معمولاً عاملهایی انتخاب می‌شوند که بار عاملی آنها بیشتر از ۰/۳۰ باشد (همبستگی هر متغیر با هر عامل، بار عاملی نامیده می‌شود و مقدار آن بین ۱- و ۱+ تغییر می‌کند). پس از انتخاب عاملها، چرخش آنها ضرورت دارد که به دو صورت متعامد (ناهمبسته) و مایل (همبسته) صورت می‌گیرد. در چرخش متعامد، عاملهای به دست آمده با هم همبستگی ندارند، در این کار چرخش عاملها به صورت مایل و همبسته بوده چون بین عاملها رابطه و همبستگی وجود دارد و تحلیل عاملی در ۲۰ چرخش به شکل بهینه خود رسیده است. مدلهای و نتایج تحلیل عاملی متغیرهای باور دینی و ابعاد گرایش به فرار از منزل در زیر نشان داده شده است.

-
1. content validity
 2. construct validity

جدول (۱) بارهای عاملی و مقدار ویژه متغیر باور دینی

مقدار ویژه	بار عاملی	گویه	متغیر
۴/۱۲	۰/۳۳	۱ به خدا باور دارم.	باور دینی
	۰/۷۴	۲ به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارم.	
	۰/۵۰	۳ با پیشرفت علم و تکنولوژی بدون دین هم می شود زندگی کرد.	
	۰/۳۳	۴ دعا کردن هیچ تأثیری در حل مشکلات و سرنوشت ما ندارد.	
	۰/۳۰	۵ به وجود بهشت و جهنم اعتقاد دارم.	
	۰/۷۹	۶ قرآن کلام خدا و حقیقت محض است.	

جدول (۲) بارهای عاملی و مقدار ویژه متغیر گرایش به فرار از منزل

مقدار ویژه	بار عاملی	گویه	متغیر
۳/۲۹	۰/۵۳	۱ فرار از خانه باعث بی آبرویی فرد و خانواده اش می شود.	گرایش به فرار از منزل
	۰/۵۸	۲ فرار از خانه باعث طرد وی از سمت خانواده و اجتماع می شود.	
	۰/۸۴	۳ فرار از خانه باعث درگیری وی در مشکلات بزرگ تری می شود.	
	۰/۸۱	۴ فرار از خانه می تواند در رسیدن به موقعیتهای بهتر به فرد کمک کند.	
۳/۲۰	۰/۷۳	۱ فرار راهی برای آزادی است.	عاطفی
	۰/۷۸	۲ فرار راهی برای نجات از مشکلات بزرگ تر است.	
	۰/۸۱	۳ فرار یک دختر از خانه اصلاً کار درستی نیست.	
	۰/۳۳	۴ نگاه بد مردم نسبت به دختران فراری کاملاً اشتباه است.	
۳/۲۹	۰/۵۶	۱ برایم جالب است با افراد فراری رابطه داشته باشم.	رفتاری
	۰/۸۷	۲ به دختران فراری حتی برای برقراری یک رابطه کوتاه اعتماد ندارم.	
	۰/۶۴	۳ برای رهایی از نظارت و کنترل والدین حاضرم از خانه فرار کنم.	
	۰/۶۸	۴ برای دستیابی به موقعیتهای بهتر و استقلال اقتصادی مایلم از خانه فرار کنم.	

جدول (۳) معرفیها و گویه‌های باور دینی

متغیر	معرف	گویه
باور و اعتقادات مذهبی	باور به خدا (منکن و همکاران، ۲۰۰۹).	به خدا باور دارم.
	اعتقاد به زندگی پس از مرگ (کالتی، ۲۰۰۴).	به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارم.
	نگرش به دین (استسلند و همکاران، ۲۰۰۰).	با پیشرفت علم و تکنولوژی بدون دین هم می‌توان زندگی کرد.
	اعتقاد به دعا و عبادت برای حل مشکلات (کورن و زاگرن، ۲۰۱۱)	دعا کردن هیچ تأثیری در حل مشکلات و سرنوشت ما ندارد.
	باور به بهشت و جهنم (منکن و همکاران، ۲۰۰۹).	به وجود بهشت و جهنم اعتقاد دارم.
	باور به اینکه قرآن کلام خداست (علیخواه، ۱۳۸۹)	قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.

برای سنجش پایایی ابزار تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است که نتایج نشان داد ضریب آلفای کرونباخ متغیر باور دینی با ۰/۷۰ و متغیر گرایش به فرار از منزل با ۰/۸۷ است که در حد بالا و قابل قبولی می‌باشد. بارهای عاملی و ضرایب آلفای کرونباخ، نشان می‌دهد که ابزار سنجش (پرسشنامه) از اعتبار و پایایی برخوردار است.

۴) سنجه‌ها

الف- باور دینی^۲: باور، نگرشهای نوجوانان از قوانین اجتماعی را نشان داده و آنان را به پذیرش اصول مذهبی یا به ممانعت در مقابل رفتار بزهکاری تشویق می‌کند. برای سنجش این متغیر ۶ معرف در نظر گرفته شده است که در جدول شماره (۳) قابل مشاهده است.

1. Cronbach's Alpha
2. religious belief

ب- گرایش به فرار از منزل^۱: نوعی احساس مثبت یا منفی نسبت به چیزها و حوادث معین است که دربرگیرنده ارزیابی مطلوب یا نامطلوب از آنها نیز می‌باشد (برکوویتز، ۱۳۸۳). در گرایش به فرار، به ابعاد شناختی (اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه)، عاطفی (احساس عاطفی با باورها نسبت به شی یا اندیشه) و رفتاری (تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص)، این عمل پرداخته شده است. فرار یعنی ترک محیطی که دست یافتن به تمایلات، نیازها و خواسته‌های فرد در آن محیط غیر ممکن است و شرایط آن برای فرد نامطلوب بوده و فرد قادر به تغییر آن نیست (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱).

معرفهای بعد شناختی: فرار موجب بی‌آبرویی، فرار موجب طرد، فرار عامل مشکلات بزرگ‌تر، فرار عامل رسیدن به موقعیتهای بهتر (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

معرفهای بعد عاطفی گرایش به فرار: فرار راهی برای آزادی، فرار راهی برای نجات از مشکلات، درست نبودن فرار، اشتباه بودن نگاه بد مردم به دختران فراری (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

معرفهای مربوط به بعد رفتاری گرایش به فرار: جالب بودن رابطه با یک دختر فراری، بی‌اعتمادی به یک دختر فراری (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، فرار برای رهایی از نظارت کنترل والدین (پلد^۲ و کوه‌اوی^۳، ۲۰۰۹)، فرار برای دستیابی به موقعیتهای بهتر و استقلال اقتصادی (تای واری^۴، ۲۰۰۲).

در نهایت این ابعاد و مؤلفه‌ها با سؤالات مناسب مورد سنجش قرار گرفتند.

1. attitude running away
3. Cohavi

2. Peled
4. Tiwari

جدول (۴) توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب متغیر باور دینی

پایه سوم		پایه دوم		پایه اول		کل جمعیت نمونه		باور دینی
%	F	%	F	%	F	%	F	
۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۱	۰	۰	۰/۵	۲	ضعیف
۲۱/۳	۲۶	۲۲/۵	۲۷	۲۲/۷	۲۹	۲۲/۲	۸۲	متوسط
۷۷/۹	۹۵	۷۶/۷	۹۲	۷۷/۳	۹۹	۷۷/۳	۲۸۶	بالا
۱۰۰	۱۲۲	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۸	۱۰۰	۳۷۰	کل

(۵) تحلیل داده‌ها

پس از اتمام مرحله جمع آوری داده‌ها و انجام تحقیقات، کلیه اطلاعات لازم مورد بازبینی قرار گرفته و پس از ساختن دفترچه کد کامپیوتری براساس سطوح اندازه‌گیری، متغیرها و گویه‌های مورد نظر کدگذاری و استخراج شد. در مرحله بعد کلیه اطلاعات به کامپیوتر منتقل شد و تغییرات لازم برای شاخص‌سازی صورت گرفت. سپس برای پردازش و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS و LISREL و روشهای آماری تحلیل رگرسیونی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها

۱- توصیف میزان باور دینی در بین پاسخگویان بر حسب پایه تحصیلی

جدول (۴) در رابطه با وضعیت باور دینی در بین پاسخگویان نشان می‌دهد که باور دینی در بین پاسخگویان بسیار بالا بوده است و حتی باور دینی ضعیف در بین دانش‌آموزان سال اول صفر بوده است. به‌طور کلی در میان پاسخگویان فقط ۰/۵٪ باور دینی ضعیفی دارند و حدود ۷۷٪ باور دینی بالایی را گزارش کرده‌اند و این وضعیت در بین هر سه مقطع تحصیلی مشابه است.

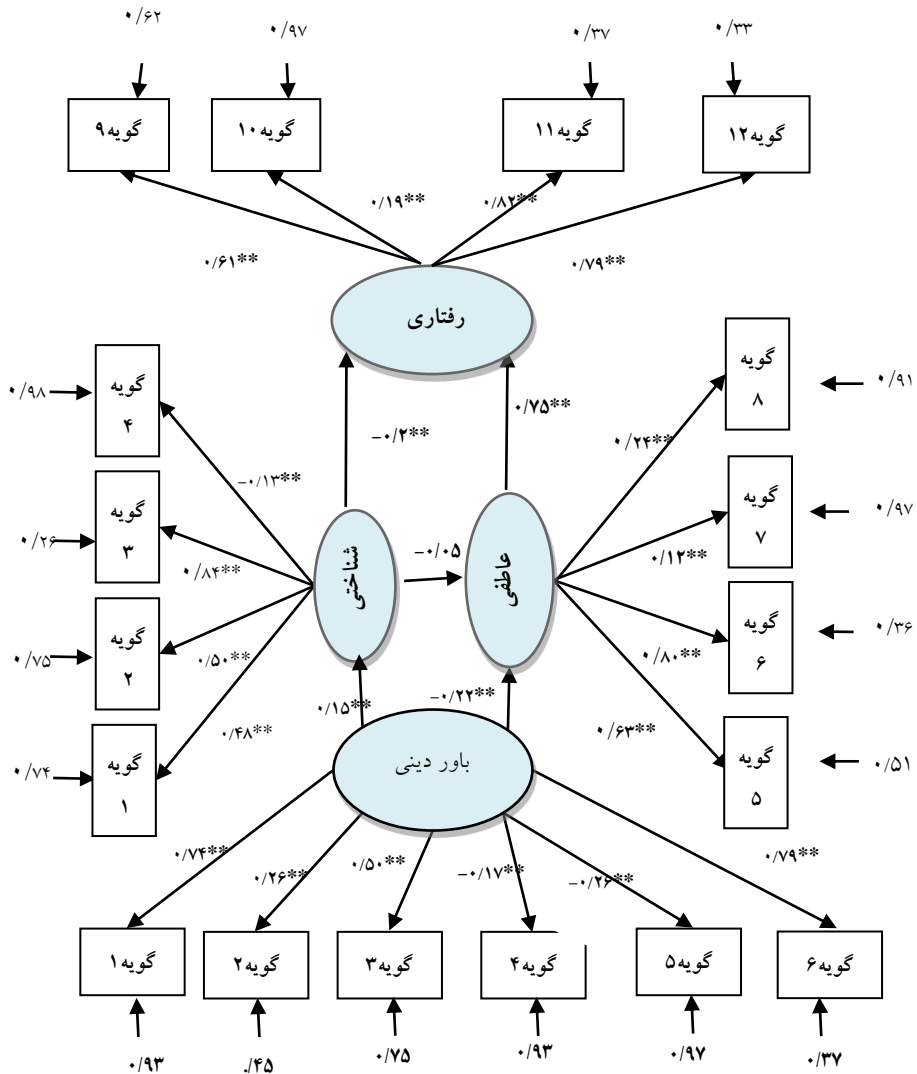
جدول (۴) توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب گرایش به فرار از منزل

سوم		دوم		اول		کل جمعیت نمونه		گرایش به فرار از منزل
%	F	%	F	%	F	%	F	
۲۳/۴	۳۰	۲۷/۵	۳۳	۲۷/۹	۳۴	۲۶/۲	۹۷	ضعیف
۷۱/۱	۹۱	۶۹/۲	۸۳	۶۴/۸	۷۹	۶۸/۴	۲۵۳	متوسط
۵/۵	۷	۳/۳	۴	۷/۴	۹	۵/۴	۲۰	بالا
۱۰۰	۱۲۲	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۸	۱۰۰	۳۷۰	کل

۲- توصیف میزان گرایش به فرار در بین پاسخگویان بر حسب مقطع تحصیلی به طور کلی گرایش به فرار از منزل در بین پاسخگویان در هر سه بعد (شناختی، عاطفی و رفتاری)، با میزان ۶۸٪ (۲۵۳ نفر)، در حد متوسطی برآورد شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میزان گرایش به فرار از خانه در بین دانش‌آموزان سال اول با میزان ۷۳٪ و پایین‌ترین میزان گرایش در بین دانش‌آموزان سال دوم با ۳۳٪ بوده است.

۳- مدل معادلات ساختاری تأثیر باور دینی بر گرایش دختران دانش‌آموز به فرار از منزل مدل‌یابی با معادلات ساختاری رویکرد آماری جامع از خانواده رگرسیون چندمتغیری برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون است (عبدالملکی و رشیدی، ۱۳۹۱) از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیرآزمایشی و آزمایشی آزمود (هومن، ۱۳۸۴).

رابطه باور دینی با گرایش به فرار از منزل



شکل (۱): مدل معادلات ساختاری

جدول (۵) شاخصهای برازش مدل معادلات ساختاری رابطه باور دینی با گرایش به فرار از منزل

شاخصهای برازش مدل	مقادیر قابل قبول شاخصها	مقادیر شاخصها
Chi-Square	-	۳۲۴/۳۲
Chi-Square /df	Chi- Square/df ≤ 3	۲/۷۴
Goodness of fit index	GFI > 0.90	۰/۹۱
Adjusted Goodness of Fit Index	AGFI > 0.90	۰/۹۰
Normed Fit Index	NFI > 0.90	۰/۹۱
Root Mean Square Error of Approximation	$0.08 \leq RMSEA$	۰/۰۶۹
RMR	-	۰/۱۰

شکل (۱) مدل معادلات ساختاری، به آزمون فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معکوس بین باور دینی و گرایش به فرار می پردازد. این رابطه با ضریب -0.31 در سطح 0.99 معنادار می باشد. ضرایب برآورد شده استاندارد بین شاخصها با هر سازه مکنون مربوط، در حکم نوعی تحلیل عامل تأییدی محسوب می شود. این ضرایب بیان می کند که تا چه اندازه شاخصها می توانند یک سازه نهان را اندازه گیری کنند. این ضرایب در سطح قابل قبولی به دست آمده است. داده های حاصل از مدل نشانگر آن است که 41% تغییرات متغیر گرایش به فرار از منزل توسط متغیر باور دینی تبیین می شود ($R^2 = 0.41$). همانطور که در جدول (۵) قابل مشاهده است در نتیجه در این مدل، کواریانس خطای شاخصها، برابر $324/32$ می باشد و نسبت خی دو بر درجه آزادی (df) باید دارای مقدار ۳ و کمتر از آن باشد و در اینجا این نسبت برابر با $2/74$ می باشد که نشانگر برازش مطلوب مدل است. شاخص (RMSEA) ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد در صورتیکه کوچکتر از 0.05 باشد، حاکی از برازش خیلی خوب مدل، بین 0.05 تا 0.08 نشان دهنده برازش تقریباً خوب می باشد (عبدالملکی و رشیدی، ۱۳۹۱). در این مدل، مقدار این شاخص برابر با 0.069 می باشد که نشان می دهد، مدل از برازش خوبی برخوردار است. مقدار شاخص هنجار شده

برازندگی (NFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده برای درجات آزادی مدل (AGFI) یا همان مقدار تعدیل یافته شاخص GFI باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود (عبدالملکی و رشیدی، ۱۳۹۱). مقدار این شاخصها در این مدل معادل ۰/۹۰ یا بزرگتر می باشد که نشان دهنده برازش بسیار خوب این مدل می باشد همچنین باید افزود که رابطه باور دینی با بعد شناختی گرایش به فرار ۰/۱۵ و با بعد عاطفی ۰/۲۲- می باشد. در مورد رابطه ابعاد شناختی و عاطفی بر بعد رفتاری باید گفت که در اینجا بعد شناختی که همان اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه می باشد، بر بعد عاطفی و تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص تأثیر معناداری نداشته ولی بعد عاطفی بر بعد رفتاری تأثیر داشته است و این رابطه با ضریب ۰/۷۳ در سطح ۰/۹۹ معنادار می باشد.

بحث

در تحقیق پیش رو نیز، فرضیه تحقیق که مبتنی بر وجود رابطه معکوس و معنادار بین باور دینی و گرایش به فرار از منزل بوده است، مورد تأیید قرار گرفت، که با افزایش میزان باور دینی در افراد، از گرایش به فرار از منزل، در آنان کاسته می شود، که این در راستای نتایج بدست آمده در پژوهشهای قبلی است. اگرچه تئوری کنترل اجتماعی هیرشی دین را به عنوان کانون اصلی بحث خود قرار نداده است، ولی یک چهارچوب دقیق در تبیین تأثیر مذهب بر بزهکاری است. همانطور که گفته شد، مفهوم کلیدی تئوری کنترل اجتماعی این است که نوجوانانی که به طرق مختلف به کنترل اجتماعی رسمی پیوند خورده‌اند، منحرف نخواهند شد. به همین ترتیب دین به عنوان یک شکل از کنترل اجتماعی، به حمایت از ارزشهای اجتماعی می پردازد و به عنوان کنترل کننده رفتارهای انحرافی عمل می کند (کیم، ۲۰۰۳). مشکلات بسیاری افراد را در سنین جوانی و نوجوانانی تهدید می کند، اعم از

مشکل روحی در اثر از دست دادن عزیزان، دوستان یا شرایط نامناسب زندگی، مشکل فیزیکی و نیز مشکلات مالی و سایر سختیهای زندگی. از آنجایی که بیشتر فرارها در اثر مواجهه با موقعیتهای ناراحت کننده و شکست‌زا اتفاق می‌افتد، اعتقادات و باورهای دینی می‌تواند بسیار تعیین کننده باشد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که عنصر باور دینی، تأثیر انواع عوامل خطر در بزهکاری را کاهش می‌دهد. همانند دیگر عناصر پیوند اجتماعی، رفتارها و گرایشهای دینی می‌توانند از انحراف جلوگیری کنند. باور دینی به اعتبار افزایش سختگیری در قوانین به وسیله دین موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود، چون بسیاری از ادیان محکومیتهای شدیدی در مقابل رفتارهای انحرافی نسبت به جوامع غیر دینی دارند (دسموند^۱ و همکاران، ۲۰۱۱).

در مطالعه‌ای که دفونزو^۲ (۱۹۹۳)، در رابطه با تأثیر پیوندهای اجتماعی بر مصرف الکل انجام داده است، نتایج حاکی از آن بوده است که باورهای دینی و اعتقاد به همنوایی، تنها متغیر مستقلی است که در کاهش میزان بزهکاری تأثیر معناداری داشته است و بنا به نظر باینبریدج^۳ (۱۹۸۹) باورهای دینی سهم عمده‌ای در انطباق دارند و کسانی که باورهای دینی بالایی دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که در مواجهه با فرصتهای نامشروع، پاسخ منفی دهند. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که باور دینی به شدت نرخ بزهکاری را کاهش داده‌اند و در مجموع از یک رابطه مستقیم بین اعتقادات و باور دینی و بزهکاری نوجوانان حمایت کردند (باک^۴ و همکاران، ۱۹۸۷؛ کوچران، ۱۹۸۸ و هادوای^۵ و همکاران، ۱۹۸۴). یعنی هر چه قدر که اعتقاد به ارزشهای اخلاقی و هنجارهای جامعه ضعیف‌تر باشد، احتمال بروز کژرفتاری در فرد بیشتر می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی نیز برای هم‌نوایی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود تصور نمی‌کند. به نظر هیرشی، اگر فردی

1. Desmond
4. Bock

2. Defonzo
5. Hadaway

3. Bainbridge

جدا این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کژروی مبادرت ورزند. در تحقیقی هم که علی‌پوردی‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) درمورد گرایش به فرار در تهران انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که باور، بیشترین تأثیر را بر گرایش به فرار از منزل داشته است و بیان کردند که باور افراد با گرایش به فرار در آنها مرتبط است. هنگامی که افراد دارای باور یا اعتقاد بالایی باشند، تمایل و گرایش آنها برای اعمال منحرفانه پایین‌تر است، در این حالت اعتقادات افراد مانع از انجام دادن برخی از اعمال منحرفانه و عاملی برای پیروی و احترام به قوانین و هنجارهاست.

اگر باورهای دینی به نحو احسن در افراد درونی شده باشد، تحمل سختیها و مشکلات را برای فرد نوجوان آسان کرده و وی کمتر به راه‌های آسیب‌زایی چون فرار از منزل فکر می‌کند. همچنین این اعتقادات دینی از طریق واسطه‌هایی چون مشارکتهای دینی تقویت می‌شوند که موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی در افراد و درک و ضرورت رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی می‌شود که این می‌تواند انگیزه انجام کارهای انحرافی را در افراد کاهش دهد.

- برکوویتز، ل. (۱۳۸۳). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: اساطیر.
- شعاع کاظمی، م. (۱۳۹۱). *آسیبهای اجتماعی (نوپدید) با تأکید بر تنوریهای زیربنایی و راهکارهای مقابله ای*. تهران: آوای نور.
- عبدالملکی، ج. و رشیدی، ز. (۱۳۹۱). *لیزرل به زبان ساده (مدل یابی معادلات ساختاری)*. تهران: جامعه‌شناسان.
- علیوردی نیا، ا. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی کارتن خوابی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- علیوردی نیا، ا.، خوشفر، غ. ر. و اسدی، ح. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی گرایش دختران دانش‌آموز به فرار از منزل. *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*. سال ۱۳۹۰، شماره ۲، ۵۴-۲۵.
- کاظمی، ع. و فرجی، م. (۱۳۸۸). *سنجه‌های دینداری در ایران*. تهران: جامعه و فرهنگ.
- همیلتون، م. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- هومن، ح. ع. (۱۳۹۱). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*. تهران: سمت.
- ویلیامز، ف. پ. و مک‌شین، م. ل. دی. (۱۳۸۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان
- Bahr, S. & Maughan, S. (1993). Family, Religiosity and the Risk of Adolescent Drug Use. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 60, 979 - 992.
- Bainbridge W. S. (1989). The religious Ecology of Deviance. *American Sociological Review*, Vol. 54, 288-295.
- Bock, W., Cochran, J. & Beeghley, L. (1987). Moral Messages: The Relative Influence of Denomination on the Religiosity-Alcohol Relationship. *The Sociological Quarterly*, Vol. 28, 89-103.
- Burkett, S. R. & White, M. (1974). Hellfire and delinquency: Another look. *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 13, 455-462.
- Burkett, S. & Warren, B. (1987). Religiosity, peer Associations and Adolescent Marijuana Use: A panel Study of Underlying Causal Structure. *Criminology*, Vol. 25, 109-131.

- Canetti, D. (2004). The Effect of Religiosity on Endorsemen of Democratic Values: The Mediating Influence of Authoritarianism. *Political Behavior*, Vol. 26, 377 – 398.
- Cochran, J. (1988). The Effect of Religiosity on Secular and Ascetic Deviance. *Sociological Focus*, Vol. 21, 293-306.
- Cochran, J., Wood, P. & Arneklev, B. (1994). Is the Religiosity-Delinquency Relationship Spurious?: A Test of Arousal and Social Control Theories. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 31, 92- 123.
- Defonzo J. (1993). Effects of Social Bonds and Childhood Experiences on Alcohol Abuse and Smoking. *Journal of Social Psychology*, Vol. 133, 635-642.
- Desmond, S. A., Soper, B., Sarah, E. & Kraus, R. (2011). Religiosity, peers and Delinquency: Does Religiosity Reduse the Effect of Peers on Delinquency. *Sociological Spectrum*, Vol. 31, 665-694.
- Donelson, E. (1999). Psychology of religion and adolescents in the United Statesm. *Journal of Adolescence*, Vol. 22, 187-204.
- Elifson K., Petersen, D. & Hadaway, C. (1983). Religiosity and Delinquency. *Criminology*, Vol. 19, 505 – 577.
- Geyer, A. & Baumeister, R. F. (2005). Religion, mortality, and self concept. In: Handbook of *the Psychology of Religion and Spirituality*, edited by Palutzian, R. F. & Park, C. L. (Eds.). New York: Guilford Press, 412-432.
- Grasmick, H., Kinsey, K. & Ochrans, J. (1992). Denomination, Religiosity, and Compliance with the law: A Study of Adults. *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 30, 99- 107.
- Guthrie, S. (1996). Religion: What is it?. *Journal for Scientific Study of Religion*, Vol. 4, 412- 419.
- Hadaway, C., Elifson, K. & Petersen, D. (1984). Religious Involvement and Drug Use Among Urban Adolescents. *Journal for The Scientific Study of Religion*, Vol. 23, 109-128.
- Heaton T. (1986). How Does Religious Influence Fertility? The Case of Mormons, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 25, 248-258.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*. The Regents of the University of California, Reprinted by Permission of the University of California Press, 16-26.
- Jang, S. & Johnson, R. (2001). Neighborhood Disorder, Individual Religiosity and Adolescent Use of Illicit Drugs: A Test of Multilevel Hypotheses. *Criminology*, Vol. 39, 109–144.
- Johnson, B. R., Jang, S. J., Larson, D. B. & De Li, S. (2001). Does adolescent religious, commitment matter?: A reexamination of the effects of religiosity on delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 38 (1), 22-43.

- Johnson, M. C. & Morris, R. G. (2008). The Moderating Effects of Religiosity on The Relationship Between Stressful Life Events and Delinquent Behavior. *Journal of Criminal Justice*, Vol. 36, 486-493.
- Kim, J. (2003). *A structural Equation Model Analysis of The Effect of Religion on Adolescent Delinquency Within an Elaborated Theoretical Model: The Relationship after Considering*. Unpublished dissertation, Ohio State University, Ohio state.
- Kivetz, R. & Yuhuang, Z. (2006). Determinants of Justification and Self Control. *Journal of Experimental Psychology*, Vol. 135, 572-587.
- Korn, L. & Zukerman, G. (2011). Affective and Behavioral Changes Following Exposure to Traumatic Events: The Moderating Effect of Religiosity on Avoidance Behavior Among Students Studying Under a High Level of Terror Event Exposure. *Journal of Religion and Health*, Vol. 50, 911-921.
- Mencken, C., Bader, Ch. D. & Kim, J. (2009). Round Trip to Hell in A Flying Saucer: The Relationship Between Conventional Christian and Paranormal Beliefs in the United States. *Sociology of Religion*, Vol. 70, 65-85.
- Michael, A. C. (2003). Religion and Social Control: An Application of a Modified Social Bond on Violence. *Criminal Justice Review*, Vol. 28, 253-277.
- Montgomery, J. (1996). *The dynamics of the religious economy: Exit, voice, and denominational secularization*. IL: Northwestern University.
- Pearce, M. J., Stephanie, M. J., Mary, E. S. & Vladislav, R. (2003). The Protective Effects of Religiousness and Parent Involvement on the Development of Conduct Problems Among Youth Exposed to Violence. *Child Development*, Vol. 74, 1682-1696.
- Peled, E. & Cohavi, A. (2009). The Meaning of Running Away for Girls. *Child Abuse & Neglect*, Vol. 33, 739-749.
- Steensland, B., Park, Z., Regnerus, D., Robinson, L., Wilcox, W. B. & Woodberry, R. (2000). The Measure of American Religion. *Social Forces*, Vol. 79, 291-318.
- Thornton, A. & Camburn, D. (1989). Religious Participation and Adolescent Sexual Behavior and Attitudes. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 51, 641- 653.
- Tiwari, A. , Gulati, N., Sethi, G. R. & Mehra, M. (2002). Why do some boys run away from home. *Indian Journal of Pediatrics*, Vol. 69, 397 – 399.
- Tucker, J. S., Orlando, E. M., Ellickson, P. L. & Klein, D. J. (2011). Running Away from Home: A longitudinal Study of Adolescent Risk Factors and Young Adult Outcomes. *Journal of Youth Adolescence*, Vol. 40, 507- 518.
- Wills, T., Alison, M. & James, M. S. (2003). Buffering Effect of Religiosity for Adolescent Substance Abuse. *Psychology of Addictive Behaviors*, Vol. 17, 24-31.